



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۳۹۷، دوره ۱، شماره ۳

تحلیل نقش نهادهای اجتماعی در مدیریت محلات شهری با تاکید بر مشارکت شهروندان

(نمونه موردی: سرای محله وصال - منطقه ۶ شهر تهران)

حسین حاتمی نژاد^۱، هاجر یداله نیا^۲، حسین یداله نیا^۳

دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهیدبهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

چکیده

امروزه توجه به مدیریت محلی به منظور دستیابی به سیاست‌های پایدار شهری افزایش یافته است. در واقع به منظور بهبود وضعیت مدیریت شهری، باید هرچه بیشتر به سه عامل توانمندسازی، توان افزایی و بهره‌مندی از توان شهروندان و نهادهای شهری در مدیریت امور شهری به ویژه در سطح محلات مورد توجه قرار گیرد، که تمامی عوامل مذکور در مناسب‌ترین شکل آن در سطوح محلی و با تقویت نهادهای اجتماعی امکان‌پذیر است؛ در نتیجه شناخت ظرفیت‌ها به منظور بهره‌مندی از آن‌ها و شناسایی دقیق مسائل در جهت رفع بهینه امکان خواهد یافت. نوع تحقیق در این پژوهش کاربردی و روش جمع‌آوری اطلاعات به دو شیوه اسنادی (کتابخانه‌ای) و پیمایشی (میدانی) است و ابزار گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه و تحلیل نتایج آن‌ها با نرم‌افزار *SPSS* صورت گرفته است. پس از شناسایی عوامل تاثیرگذار در نقش نهادهای اجتماعی در امور محلی به بررسی شاخص‌هایی چون اطلاع و آگاهی، مشارکت و تعامل، اعتماد اجتماعی، کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی در محله وصال (دانشگاه تهران) پرداخته شد، حجم نمونه بررسی شده بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از ساکنان محله وصال بوده است. نتایج بدست آمده از آزمون *T* تک نمونه‌ای نشان می‌دهد، بر اساس نظرات شهروندان میانگین کل بدست آمده ۲,۷۰ از ۳ در خصوص شاخص‌های بررسی شده در وضعیت نسبتاً نامطلوبی قرار گرفته و مدیریت شهری نهاد محور در محله وصال شکل نگرفته است. در بین شاخص‌های بررسی شده شاخص عدالت اجتماعی با میانگین ۲,۲۸ کمترین و اعتماد اجتماعی با میانگین ۲,۹۲ بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. در نتیجه برای افزایش مشارکت نهادهای محلی در مدیریت امور لازم است که مسئولان محلی با توجه به این شاخص‌ها و بکارگیری آن‌ها در عرصه مدیریتی و سیاست‌گذاری‌ها، زمینه را برای افزایش نقش نهادها فراهم نمایند.

واژگان کلیدی: نهادهای اجتماعی، مدیریت، محلات شهری، محله وصال.

مقدمه و بیان مساله

مدیریت شهری در ایران به دلایلی چون تمرکزگرایی، برونزا بودن برنامه‌ها و طرح‌های شهری، اقتصاد رانتی و مبتنی بر نفت تحت تاثیر دولت بوده است و مدام از مدیریت سیستمی و یک‌پارچه فاصله گرفته و به مدیریت بخشی رو آورده، همچنین از روند شهرنشینی و مسائل برآمده از آن، عقب مانده و در دیدگاه‌ها و نگرش‌های از بالا به پایین گرفتار شده است (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶، ۶۰۸). مدیریت شهری در کشورهای اروپایی با مدیریت شهری در ایران که نگهداری و پاسداشت شهر است، تفاوت ریشه‌ای دارد. به همین دلیل، در یکی دو دهه گذشته بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای کارگزار در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در گستره جهانی، بر فراگیر کردن نگرش مشارکتی برای فراهم کردن گونه‌ای از رهیافت مدیریت و برنامه‌ریزی از «پایین به بالا» تاکید داشته‌اند. هدف از این رهیافت، توجه به توانمندسازی جوامع محله‌ای برای پایش کنش‌های توسعه‌ای بوده است (رضویان و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۱۱). با توسعه شهرها و تمرکز فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی در مراکز شهرها، توجه به محلات شهرها بیشتر می‌شود که در این میان، مطالعه جغرافیایی شهر بر مبنای سطوح خرد شهر (محلات شهری) در اولویت قرار می‌گیرد (خزایی و رضویان، ۱۳۹۵، ۳). امروزه در کشورهای در حال توسعه مشارکت موضوعی نیست که در نظریه بررسی و تحلیل شود، بلکه در عمل معلوم شده است حل انبوه مسائل و مشکلات جامعه شهری و روستایی بدون مشارکت مردم میسر نیست (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۷، ۳۳۵). محله به عنوان یک مکان کالبدی و اجتماعی است که می‌تواند شرایط مناسبی را برای افزایش مشارکت مردم و استفاده از توان جمعی آن فراهم آورد (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۴). بنابراین در برنامه ریزی محله مینا، که بر اساس محله اجتماعات محلی است، مشارکت مردمی در معنای واقعی آن هدف قرار گرفته و شعار برنامه‌ریزی بوسیله مردم نه برای مردم آرمان این نگرش در برنامه ریزی شهری است پس نقش دولت صرفا هدایت، حمایت و تشویق نهادهای اجتماعی محلی خواهد بود (پیران و همکاران، ۱۳۹۵، ۲). برنامه ریزی محله‌ای رویکرد جدیدی است که با هدف گرد هم آوردن گروه‌های مختلف درگیر و ذی‌نفع در برنامه ریزی و توجه به نیازها و خواسته‌های همگانی ایشان در تدوین برنامه به حوزه برنامه ریزی وارد شده است (خادم‌الحسینی و همکاران، ۱۳۹۰، ۶). حکمروایی مشارکتی به یک ویژگی اصلی در مدیریت شهری تبدیل شده است که توسط دولت‌ها و سازمان‌های دولتی به الگویی برای مشارکت جامعه مدنی و مردمی تبدیل شده است (Lemanski, 2017). در طول نیم قرن گذشته بحث مشارکت از موارد بسیار مهمی بود که برای تمامی حوزه‌های مطالعاتی علوم اجتماعی جذابیت ویژه‌ای داشته است در این بین دانش مدیریت شهری به هدف دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار در شهر نیازمند بالابردن مشارکت شهروندان در این امر می‌باشد، با در نظر گرفتن سیاست محله محوری و نگاه جزئی نگر مدیریت شهری تهران مشاهده می‌شود که تجربه جدیدی از جلب مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در حال برداشتن گام‌های اولیه می‌باشد و شهر تهران در حال آزمون مدل جدیدی از مشارکت شهروندان با مدیریت شهری است (کاظمیان و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۴). این موضوع به این معناست که پایداری، بیشتر از این که یک مساله فناورانه، مدیریتی و برنامه‌ای باشد، یک موضوع سیاسی و مرتبط با سیاست‌گذاری‌هاست. به این معنا که بزرگ‌ترین

موانع پایداری، در فقدان برنامه‌های مدنی و نهادی برای تعیین و اجرای فعالیت‌های پایدار در سطوح و زمینه‌های محلی نهفته است (فنی، ۱۳۹۳، ۲۶۵-۲۶۴). ماهیت وظایف شورایاری فقط جنبه شناسایی، نظارتی، مشورتی و همکاری دارد. سازمان‌های مردم نهاد هم در شناسایی مشکلات و هم در ارائه خدمات مشاوره برای پیدا کردن راه حل مناسب و حتی تا حدودی در اجرا می‌توانند به کمک شورایاری بیایند. در واقع این نهادها به دنبال ادغام هرچه بیشتر شهروندان در نظام اجتماعی هستند و این هدف در مسیر توسعه مشارکت اجتماعی مردم و دخالت آن‌ها در امور جامعه مدنی است (احمدنیا و کامل قالیباف، ۱۳۹۶، ۱۴۶). مشارکت موضوعی نیست که در نظریه بررسی و تحلیل شود بلکه در عمل معلوم شده است حل مسائل انبوه با توجه به گسترده شدن مقوله شهرنشینی و سکونت اکثر مردم در شهرها، برای اداره شهر توسط مدیران شهری توجه به رویکردهای نوین، مدیریت مشارکتی ضرورت می‌یابد. مشارکت آگاهانه ساکنان محله احساس تعلق مکانی و حس مسئولیت اهالی را تقویت می‌کند. در این شرایط مردم با مسئولیت خود آشنا می‌شوند و با مشارکت و عمل مناسب و موثر، دولت و سازمان‌های مدیریتی و اجرایی را به پاسخ‌گویی و شفافیت سوق می‌دهند. بر مبنای این رویکردها و برنامه‌ها گسترش مشارکت مردم از جمله راه‌های کنترل تمرکز قدرت است که به عنوان ابزاری نیرومند در اجرای اصلاحات اجتماعی و در راستای حمایت مردم سالاری به کار گرفته می‌شود. در حقیقت مشارکت در امور موجب افزایش فضا برای رشد و توسعه انسان‌ها و زندگی بهتر و رفاه می‌گردد که در این فرآیند نقش نهادهای اجتماعی از جمله سرای محلات، شوراها و شورایاری‌ها به عنوان حلقه ارتباطی میان مدیران و شهروندان حائز اهمیت است. در واقع می‌توان اظهار نمود به منظور بهبود وضعیت مدیریت شهری، باید هرچه بیشتر سه عامل توانمندسازی، توان افزایی و بهره‌مندی از توان شهروندان و نهادهای شهری در مدیریت امور شهری به ویژه در سطح محلات مورد توجه قرار گیرد، که تمامی عوامل مذکور در مناسب‌ترین شکل آن در سطح محلات و با تقویت نهادهای اجتماعی امکان‌پذیر است. اهمیت توجه به اجتماعات محلی در مدیریت شهری اینست که اجتماعات محلی و مکان‌های محلی نسبتاً خرد، مخصوصاً به عنوان محتوا و بستر زندگی روزمره، محل شکل‌گیری روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و کنش‌های روزمره و متقابل افراد در آن شکل می‌گیرد. افراد در مکان‌های محلی فعال و با اراده هستند و می‌توانند با مشارکت در امر تصمیم‌گیری بر ساختارها تاثیرگذار باشند، که این تاثیرگذاری در حل مسائل و مشکلات اجتماعات و مکان‌های محلی مفید بوده، در نهایت موجب کمک به مدیریت شهر و حل مشکلات شهر می‌شود. ضرورت شکل‌گیری مدیریت محله‌محور و فعال نمودن نهادهای اجتماعی در محلات به این دلیل که اگر در مدیریت شهری به آن توجه نشود با مشکلاتی همچون؛ عدم مشارکت فعال شهروندان، عدم شکل‌گیری شبکه‌های داوطلبانه و ارتباط ضعیف بین مقامات محلی و مردم ظهور می‌یابد. در پژوهش حاضر ضرورت‌ها و کارکردهای رویکرد محله‌محوری، تاثیر نهادهای اجتماعی مانند سرای محله، شوراها و شورایاری‌ها را در زمینه اطلاع‌رسانی و آگاهی و مشارکت ساکنان در اداره امور محله و استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های محلات با انتخاب سرای محله وصال که در سال ۱۳۹۴ دایر شده است مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. سوال اصلی این پژوهش بررسی چگونگی نقش نهادهای محلی در مدیریت محله وصال است؟

مبانی نظری

بر اساس گزارش سازمان ملل پیش بینی می‌شود که تعداد جمعیت شهرنشین جهان تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۵ میلیارد نفر افزایش می‌یابد که حدود ۴ میلیارد نفر آن متعلق به جمعیت کشورهای در حال توسعه است (برک‌پور، اسدی، ۱۳۹۰، ۷). از نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم به دنبال تغییرات ساختاری و بنیادی در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان، مطالعات نظری و تحقیقات کاربردی در حیطه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به طور جدی صاحب نظران و متخصصین امور شهری را وادار به چرخش محسوسی به سوی نظام دموکراتیک شهری و رویکرد اداره شهرها از سطوح خرد به کلان نمود (نصیری، ۱۳۹۴، ۱۴۰). برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) حکمروایی را اینگونه تعریف کرده است: اعمال اقدامات سیاسی، اقتصادی و اداری در مدیریت امور یک کشور در تمام سطوح. این تعریف شامل مکانیزم، فرآیندها و نهادهایی می‌شود که از طریق آن شهروندان و گروه‌ها از منافع خود، حقوق قانونی خود، تعهدات و وظایف خود مشارکت دارند (UN-HABITAT, 2004). نظریه پال: پال در کتاب شهر چه کسانی؟ به بحث در مورد قیودات اجتماعی می‌پردازد که همواره در زندگی شهری برای شهروندان پدید می‌آید و در دیدگاه خود از مفهوم قدرت و مدیریت مدد می‌گیرد. وی به مفاهیمی چون دروازه بانان اجتماعی، برنامه‌ریزان، کارگزاران اجتماعی و... می‌پردازد. یعنی مجموعه افرادی که در فرآیند مدیریت شهری، به کنترل و اداره شهر می‌پردازند (یداله نیا، ۱۳۹۶، ۶۲). نظریه مدیریت مداری شهری: از نظر پال نقش مدیران شهری در توزیع منابع از اهمیت خاصی برخوردار است. پال روی استقلال نسبی مدیران تاکید دارد (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۷، ۳۲۸). مطالعات و بررسی‌ها در مورد مدیریت شهری به صورت متمرکز و از بالا به پایین نشان می‌دهد که این شیوه از مدیریت اعتبار خود را در میان جوامع از دست داده است و با تنگناهای نظری و عملی فراوان رو به رو است (فنی و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۶). چهار مساله‌ای که به نظر می‌رسد بر رویکرد شهرهای مردمی و پایداری موثر است: توانمندسازی ظرفیت‌های شهری؛ گنجاندن نوآوری‌های اساسی در شهر؛ جامعه-گرایی، جدیدتر شدن شیوه حکومتی و تعامل شهری برای حل مشکلات شهری (Wilfram, 2017). برای تجزیه و تحلیل مدیریت شهری باید به شناخت وضعیت موجود پرداخت. از نظر هاروی یکی از معروف‌ترین کمک‌ها برای شناخت مدیریت شهری این است که تغییر در عملکرد عرصه مدیریتی را توضیح دهد (Martu-Costa, Toma`s, 2017). اهداف حکمروایی شهری توسعه شهری است به گونه‌ای که در جامعه، زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگی اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم شود. می‌توان اهداف زیر را برای حکمروایی شهری بیان نمود: بازساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتبار بیشتر سازمان‌ها، نهادها و جوامع محلی؛ کاهش فقر و جدایی-گزینی‌های اجتماعی، حقوقی و فرهنگی در شهرها؛ افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرآیند سیاسی درون شهرها (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۴۶). از جمله رویکردهای نوین مدیریت مشارکتی که مطرح گردیده و مورد توجه و استقبال قرار گرفته است رویکرد محله محوری یا همان واگذار کردن امور محله و شهر به افراد ساکن در همان شهر می‌باشد. اجتماع محلی مناسب‌ترین بستر برای دست‌یابی به توسعه پایدار شهری است (جعفرنژاد مقدم، ۱۳۹۰، ۲۸).

از این رو در دهه‌های اخیر مدیریت شهری بر پایه مقیاس‌های خرد برای حل مشکلات شهری مطرح شده است که از طریق به‌کارگیری تکنیک‌های مشارکتی و ظرفیت‌سازی اجتماعی سعی در مدیریت شهری مطلوب و پایدار دارد (صرافی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۲۰). منظور از مشارکت، قدرت تاثیرگذاران بر تصمیم‌گیری و سهم شدن شهروندان در قدرت است (شماعی و همکاران، ۱۳۹۱، ۵). در این میان تمرکز زدایی و محله محوری در حقیقت سپردن امور محلی و اجرایی و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به مردم محلات است. لذا در یک نظام هم‌فکری با مسئولین امور مدیریت شهری می‌توانند مدیریتی پایدار محلات و در مراحل بالاتر برای کل مجموعه شهر باشد (جعفرنژاد مقدم، ۱۳۹۰، ۳۱). در اوایل سال ۱۹۹۲، در دستور کار ۲۱ برای مقابله با چالش‌های پایداری در سطح محلی، با یک رویکرد نهادی مشارکتی برای رسیدن به توسعه پایدار شهری و تقویت ظرفیت‌های محلی، برای مقابله با چالش‌های پایداری اتخاذ گردید (Smedby and Neij, ۲۰۱۳). نهادسازی برای این که موفق باشد ضرورت دارد که به نهادهای مدنی و سازمان‌های دولتی توجه کرد (توکلی نیا و شمس پویا، ۱۳۹۶، ۲۰۲). در چند سال گذشته شورایی‌ها به عنوان نهاد اجتماعی اتصال دهنده بدنه مدیریت شهری با شهروندان در جهت ایجاد و تقویت جامعه مدنی و شکل‌گیری اجتماعات محله‌ای نقش آفرین بوده‌اند (توکلی نیا و استادی سیسی، ۱۳۸۸، ۳۰). اولین گام در تحقق مشارکت مردم با محوریت محلات ارتباط رودرو و ایجاد احترام و اعتماد متقابل است، بستر چنین رویکردی تنها با ریشه دار شدن در محل در قالب دفتر محلی امکان پذیر است. همکاری شوراهای محله با مناطق شهرداری جهت رفع مشکلات محلی امکان پذیر و از همه مهمتر اینکه شرایط زندگی همراه با آسودگی و رفاه بیشتر برای شهروندان فراهم خواهد گردید (خادم‌الحسینی و همکاران، ۱۳۹۰، ۵). مدیریت کلان شهر تهران با پیاده سازی «الگوی مدیریت محله» در محله‌های شهر تهران که با هدف سپردن امور فرهنگی و اجتماعی در گستره محله به خود شهروندان محله‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت مشارکت و توانمندسازی شهروندان انجام گرفته است، فرصت دیگری را برای هم‌کنشی دل‌بستگان به امور شهری در گستره محله‌ها و شکوفایی توانایی محله‌ها آماده کرده است (رضویان و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۱۵).

تقوایی و همکاران (۱۳۸۷)، در پژوهش با عنوان «تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز)» به این نتیجه رسیدید که بین رضایتمندی افراد از خدمات رسانی شهری و احساس مالکیت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی افراد با میزان مشارکت آنان رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. صرافعی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهش خود به عنوان «ناحیه محوری، ضرورت ارتقاء مدیریت محلی در شهرداری تهران (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تهران)»، به این نتیجه دست یافتند که شورایی‌های محلات، برنامه‌های خاصی را برای همکاری با محلات دیگر در منطقه تعریف نکرده‌اند و یا در مورد اجرای سند چشم‌انداز هیچ نقشی برای محلات مجاور تعریف نشده است. صفری جزه (۱۳۹۱)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تحلیل عوامل موثر بر میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با رویکرد محله محوری در شهر تهران (مطالعه موردی: مناطق ۱، ۵ و ۱۵ شهر تهران)»، به این نتیجه رسیدند که هر چه آگاهی نسبت به مدیریت شهری و اعتماد نسبت به مدیریت شهری بیشتر باشد، میزان مشارکت در مدیریت شهری بیشتر می‌شود. عبدالله پور و همکاران (۱۳۹۳)، مقاله‌ای با عنوان «مشارکت در اداره ی امور شهری: تجارب،

آسیب‌ها و زمینه‌ها؛ مطالعه‌ای در محله‌های منطقه ۴ شهرداری تهران» به این نتیجه رسیدند که فعالیت شوراباری در سطح محلات و وجود سطح بالای تجارب مشارکتی در امور مذهبی و خیریه، فعالیت اماکن مذهبی و نهادهای دینی در سطح محلات و وجود نخبگان در سطح محلات را می‌توان به منزله‌ی ظرفیت‌هایی قلمداد کرد که با استفاده از آن‌ها مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهری را بهبود بخشید.

مواد و روش تحقیق

روش تحقیق و شاخص‌های آن

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و دارای جنبه‌های کاربردی است. روش جمع‌آوری اطلاعات اسنادی (کتابخانه‌ای) و پیمایشی (میدانی) بوده است. جامعه آماری این پژوهش، شهروندان محله وصال ناحیه ۲ منطقه ۶، شهر تهران می‌باشند. بر مبنای آخرین سرشماری حجم جامعه آماری ۱۰۹۳۸ نفر، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر بدست آمده است. اطلاعات بدست آمده با پرسشنامه بعد از جمع‌آوری با نرم افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون T تک نمونه‌ای) تحلیل گردید تا اهداف مورد نظر این پژوهش محقق شود.

عوامل موثر شناسایی شده در شکل‌گیری و ایفای نقش نهادهای اجتماعی در سطح محلات ۵ شاخص دارد که به تفصیل در زیر بیان شده است:

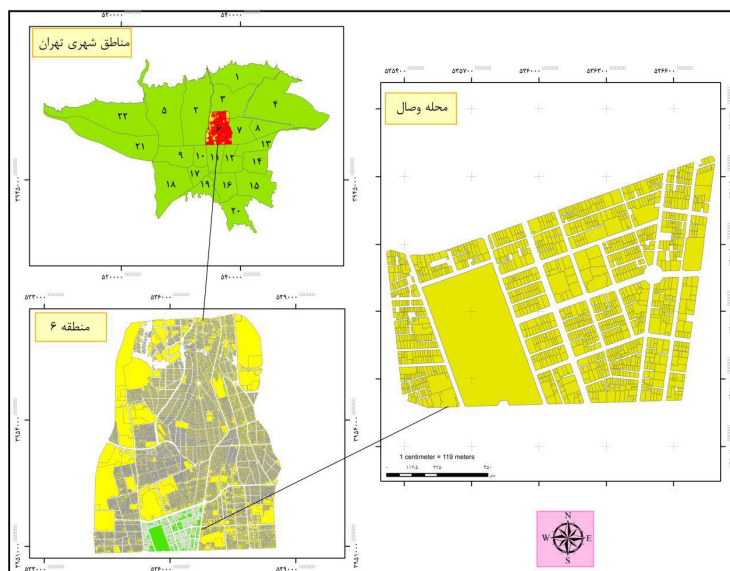
- **اطلاع و آگاهی:** آگاهی از حقوق و مسئولیت شهروندی نسبت به شهر، زمینه انجام وظایف دو جانبه را فراهم می‌کند و باعث پاسخ‌خواهی شهروندان از مدیریت شهری خواهد شد (شارع پور و شعبانی، ۱۳۹۵، ۴۰).
- **مشارکت و تعاملات:** مشارکت شامل شفافیت، باز بودن فضای جامعه و چند صدایی بودن حوزه‌ی عمومی است و نیازمند فضایی است که افراد بتوانند در تصمیم‌گیری‌هایی که در سرنوشت آن‌ها موثر است، تاثیرگذار باشند (بزی، ۱۳۹۶، ۱۵۵). شرکت مردم در آنچه در محل زندگی شان به وقوع می‌پیوندد نشان از کنش مردم است و به نوشته‌ی بلومر کنش پیوسته است (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۹). تعاملات اجتماعی اثرات بسیاری بر انسان و جامعه‌ی شهرنشینی دارد که از آن جمله می‌توان تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، تقویت هویت مکانی، افزایش حس تعلق، افزایش سطح آگاهی عمومی جامعه، افزایش سطح کیفیت زندگی شهری و... را نام برد (شکیب و مطلبی، ۱۳۹۳، ۳۵۵).
- **کیفیت زندگی:** بالاترین هدف توسعه و مدیریت شهری، بهبود کیفیت زندگی و خوشبختی شهروندان است؛ حال آن‌که کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است و جنبه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. مدیریت شهری با فراهم آوردن امکانات و خدمات زیربنایی در شهرها می‌تواند چشم‌اندازی زیبا و دلپذیر از محیط و منظر شهری را برای ساکنین مجموعه‌های شهری فراهم آورد (روحانی، ۱۳۹۳، ۸۸).

- **اعتماد اجتماعی:** اعتماد اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است (نوری کرمانی و همکاران، ۱۳۹۴، ۹). برای ایجاد اعتماد اجتماعی، رعایت ارزش‌های مشترک در میان مردم و تقویت و گسترش آن در سطح جامعه کمک کننده است. همین طور احساس امنیت مردم در کنار یکدیگر و رضایت از زندگی از دیگر عوامل تاثیرگذار در اعتماد اجتماعی است (جعفری، ۱۳۹۱، ۳۸).
- **عدالت اجتماعی:** عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. عدالت یک امر ذهنی است و هر فرد باید از حق دستیابی به نیازهای اساسی حیاتی بهره مند باشد (روحانی، ۱۳۹۳، ۹۱).

معرفی محدوده مورد مطالعه

منطقه ۶ شهرداری تهران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز این شهر واقع شده است. این منطقه شامل ۶ ناحیه و ۱۸ محله می‌باشد. جمعیت منطقه بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، ۲۵۱۳۸۴ نفر برآورد شده است (سایت شهرداری منطقه ۶ تهران). محله وصال (محله دانشگاه تهران)، در ناحیه ۲ منطقه ۶ شهرداری تهران واقع شده و جمعیت این محله ۱۰۹۳۸ نفر براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

شکل ۱: موقعیت محدوده مورد مطالعه



(ترسیم: نگارندگان، بر اساس نقشه پایه وزارت راه و شهرسازی)

نتایج و بحث

از جمله یافته‌های توصیفی مورد بررسی در تحقیق حاضر می‌توان به سن، جنس، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات جامعه نمونه اشاره نمود که در جداول شماره ۱ نشان داده شده است:

جدول شماره ۱: یافته‌های توصیفی پرسش شونده‌گان

سن	
۲۵-۰	۳۷,۵%
۴۰-۲۵	۲۹%
۵۵-۴۰	۲۱%
۵۵ <	۱۲,۵%
جنس	
مرد	۳۷,۵%
زن	۶۲,۵%
شغل	
دولتی	۲۵%
آزاد	۳۱,۳%
بیکار	۲۳,۸%
دانشجو	۲۰%
تحصیلات	
دیپلم	۲۵%
کاردانی	۶,۳%
کارشناسی	۴۳,۸%
کارشناسی ارشد	۱۵,۵%
دکتری	۹,۵%

جدول شماره ۲: درصد پاسخگویی پرسش شونده‌گان به هر یک از شاخص‌ها بر اساس طیف لیکرت

شاخص‌ها	رده بندی نظرات				
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
اطلاع و آگاهی	۱۰,۹۵	۲۹,۷	۳۷,۵۵	۱۷,۲	۴,۷۳
مشارکت و تعاملات	۱۰,۴۵	۲۵,۹۶	۳۹,۶۲	۲۲,۹۳	۱,۰۵
کیفیت زندگی	۷,۸۳	۳۱,۲۸	۳۷,۵۳	۲۰,۳۳	۳,۱۳
اعتماد اجتماعی	۱۰,۹۵	۲۵,۰۳	۳۲,۸۷	۲۳,۴۷	۷,۸۲

عدالت اجتماعی	۱۷,۲	۴۳,۷۸	۳۲,۸۳	۶,۲۵	۰	۱۰۰٪
---------------	------	-------	-------	------	---	------

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

با توجه به جدول (شماره ۲)، می‌توان به توصیف وضعیت ۵ شاخص مورد بررسی در میزان نقش نهادهای اجتماعی در فرآیند مدیریت محله وصال پرداخت. شاخص اطلاع و آگاهی؛ با بررسی پاسخ بدست آمده از پرسش‌شوندگان که بیش از ۳۷ درصد پاسخگویان میزان اطلاع‌رسانی مدیران در قالب نهاد سرای محله را در سطح متوسط رضایت اظهار نظر کردند. شاخص مشارکت و تعاملات؛ این شاخص در وضعیت نامطلوبی قرار دارد به گونه‌ای که حدود ۲۴ درصد از پاسخگویان گزینه زیاد و خیلی زیاد را مورد انتخاب قرار داده که نشان‌دهنده اینست که مدیران محلی با نهادهای مختلف اجتماعی همکاری و تعامل سازنده‌ای نداشته و نتوانسته‌اند در این شاخص رضایت شهروندان را کسب نمایند. شاخص کیفیت زندگی؛ این شاخص در محله وصال در وضعیت نامطلوب قرار دارد، به نحوی که حدود ۳۹ درصد از پاسخگویان گزینه کم و خیلی کم را انتخاب نموده‌اند. شاخص اعتماد اجتماعی؛ این شاخص در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد و حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان رضایت زیاد و خیلی زیاد را ابراز نمودند. آخرین شاخص مورد بررسی در این پژوهش عدالت اجتماعی بوده که در وضعیت کاملاً نامطلوبی قرار دارد، به گونه‌ای که حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان رضایت ضعیف و گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب نمودند که نشان می‌دهد مدیران محلی، توزیع متعادل خدمات اجتماعی را فراهم ننموده‌اند و زمینه را برای فعالیت نهادها و گروه‌های مختلف شهروندان را فراهم نکرده‌اند تا آن‌ها بتوانند با حضور فعال از طریق نهادهای مختلف محلی بخشی از خواسته‌ها و نظرات خود را به مدیران ارائه نمایند. سنجش مولفه‌های تاثیر گذار سرای محله برای بهبود مدیریت محلات با توجه به نظر اهالی محل در ادامه بیان شده است:

اطلاع و آگاهی: برای تحقق همکاری مردم با سراهای محله باید آگاهی شهروندان از وجود سرای محله و نوع فعالیت این نهاد را افزایش داد. ارتقاء سطح فرهنگ شهروندی با آموزش و برگزاری جلسات گفت و گوی عمومی در سطح محلات با مدیران و مسئولان شهری در آگاهی شهروندان موثر است. اطلاع داشتن اهالی از وجود سرای محله بدون اطلاع از فلسفه تشکیل آن و نقش مهم آن در مدیریت شهری کافی نیست. در بین گویه‌های بررسی شده مراجعه به سرای محله از سطح پایینی برخوردار بوده است که بیان کننده عدم آگاهی از کارکرد سرای محله است. بازتاب این بی اطلاعی، عدم مشارکت ساکنان در فعالیت‌های مدیریت بوده است. بر اساس آزمون T تک‌نمونه‌ای مجموع گویه‌ها (شاخص اصلاع و آگاهی)، با میانگین ۲,۷۵ در وضعیت نسبتاً نامطلوبی قرار دارد، همچنین سطح معنی‌داری بیشتر از ۰,۰۵ نشان می‌دهد که بین میانگین بدست آمده و میانگین استاندارد (۳) اختلاف معنی‌داری وجود ندارد (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: گویه‌های اطلاع و آگاهی در تحلیل نقش سرای محله

متغیر	تعداد	درجه آزادی	میانگین استاندارد	میانگین واقعی	انحراف معیار	T تک نمونه‌ای	سطح معناداری	سطح خطا
اطلاع داشتن از وجود سرای محله	۳۸۴	۳۸۳	۳	۳,۴۵	۰,۸۸۵	-۰,۵۶	۰,۵۸۰	۰,۰۵

۰,۰۵	۰,۰۰۰	-۶,۴۵	۰,۷۷۴	۱,۷۵	۳	۳۸۳	۳۸۴	مراجعه به سرای محله در طول یک ماه
۰,۰۵	۰,۳۰۰	۱,۰۷	۰,۹۳۰	۲,۲۵	۳	۳۸۳	۳۸۴	اطلاع رسانی امور محله به شهروندان
۰,۰۵	۰,۵۴۴	۰,۶۲	۰,۸۰۶	۲,۶۷	۳	۳۸۳	۳۸۴	رضایتمندی از کارکرد سرای محله
۰,۰۵	۰,۱۴۶	-۱,۵۳	۰,۶۵۲	۲,۷۵	۳	۳۸۳	۳۸۴	مجموع گویه ها

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

مشارکت و تعاملات: مشارکت ساکنان محله در تصمیمات محله‌ای، جامعه محله‌ای را به سوی مشارکت اجتماعی سوق می‌دهد. در سرای محله وصال با تدوین برنامه‌هایی توانست روابط خوبی میان ساکنان و کارکنان سرای محله فراهم آورد. با توجه به نقش سرای محله و مردمی بودن آن باید رابطه خود با اهالی محل را افزایش دهد تا بتواند از این طریق حس تعلق مکانی را در مردم افزایش دهد. در بین گویه‌های بررسی شده این شاخص برخوردار مناسب و ایجاد روحیه همکاری کارکنان سرای محله با اهالی سطح مناسبی را نشان می‌دهد که می‌تواند تمایل به مشارکت اهالی در بیان و رسیدگی به کمبودها را افزایش دهد. میانگین این شاخص نشان‌دهنده اینست که با نمره ۲,۷۸ در وضعیت نسبتاً نامطلوب و بر اساس سطح معنی‌داری ۰,۱۲۸ که از ۰,۰۵ بیشتر است، اختلاف معنی‌داری بین میانگین بدست آمده و میانگین مفروض وجود ندارد (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: گویه‌های مشارکت و تعاملات در تحلیل نقش سرای محله

متغیر	تعداد	درجه آزادی	میانگین استاندارد	میانگین واقعی	انحراف معیار	T تک نمونه‌ای	سطح معناداری	سطح خطا
زمینه مشارکت شهروندان و نظرخواهی از آن‌ها	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۳۷	۰,۸۰۶	-۳,۱۰	۰,۰۰۷	۰,۰۵
ایجاد روحیه همکاری کارکنان سرای محله با اهالی	۳۸۴	۳۸۳	۳	۳,۳۱	۰,۶۰۲	۲,۰۷	۰,۰۵۵	۰,۰۵
تمایل به مشارکت و همکاری در انعکاس مشکلات محله	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۸۷	۰,۹۵۷	-۰,۵۲	۰,۶۰۹	۰,۰۵
تاثیرگذاری سرای محله در ایجاد حس تعلق مکانی	۳۸۴	۳۸۳	۳	۳,۰۶	۰,۹۲۸	۰,۲۶	۰,۷۹۱	۰,۰۵
استفاده از نظرات شهروندان در بهبود مشکلات	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۳۷	۰,۹۵۷	-۲,۶۱	۰,۰۲۰	۰,۰۵
واسطه بین مدیران و شهروندان	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۶۸	۱,۱۳۸	-۱,۰۹	۰,۲۸۹	۰,۰۵
مجموع گویه ها	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۷۸	۰,۵۴۳	-۱,۶۱	۰,۱۲۸	۰,۰۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

کیفیت زندگی: کیفیت زندگی عبارت است از رضایت کلی فردی از زندگی و بنابراین کیفیت زندگی مفهومی عینی و ذهنی به صورت توأم است و در برنامه ریزی شهری می‌توان آن را با توجه به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی، روانی و... در دو وجه عینی (کمی) و ذهنی (کیفی) تعریف کرد (شاه حسینی و توکلی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). در شاخص کیفیت زندگی احساس رضایت، شادمانی و امنیت مورد بررسی قرار گرفته است که در بین گویه‌های آن، احساس رضایت ساکنان از محله وضع نسبتاً مطلوبی را نشان می‌دهد. میانگین شاخص کیفیت زندگی نشان می‌دهد، این شاخص با میانگین ۲,۷۹ در وضعیت نسبتاً نامطلوب و نسبت به میانگین استاندارد فاصله چندانی ندارد. از آنجایی که سطح معنی‌داری (۰,۲۱۰) از سطح خطا بالاتر است، می‌توان گفت اختلاف معنی‌دار نیست (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: گویه‌های کیفیت زندگی در تحلیل نقش سرای محله

متغیر	تعداد	درجه آزادی	میانگین استاندارد	میانگین واقعی	انحراف معیار	T تک نمونه-ای	سطح معناداری	سطح خطا
رضایت از زندگی در محله وصال	۳۸۴	۳۸۳	۳	۳,۳۷	۰,۸۸۵	۱,۶۹	۰,۱۱۱	۰,۰۵
میزان اثرگذاری سرای محله در رفع مشکلات محله	۳۸۴	۳۸۳	۳	۳	۰,۸۹۴	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰,۰۵
فضاهای عمومی و جمعی با برگزاری مراسم برای ارتباط اجتماعی	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۵	۰,۸۹۴	-۲,۲۳	۰,۰۴۱	۰,۰۵
تقویت احساس امنیت	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۳۱	۰,۸۷۳	-۳,۱۴	۰,۰۰۷	۰,۰۵
مجموع گویه‌ها	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۷۹	۰,۶۲۰	-۱,۳۰	۰,۲۱۰	۰,۰۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی زمانی ایجاد می‌شود که مردم در کنار هم و در جامعه احساس امنیت کنند. بر انگیزتن حس اعتماد با شفافیت در عملکرد، جهت بهبود مشکلات موجود محله امکان پذیر است که باعث ایجاد توافق و همکاری می‌شود. در بین شاخص‌ها این شاخص سطح نسبتاً مطلوبی را نشان می‌دهد و در بین گویه‌های آن پاسخگویی کارکنان این نهاد و توجه به مراجعه‌کننده در صورت مراجعه حضوری از نقاط قوت آن محسوب می‌شود که با تقویت این ارتباطات و تعاملات می‌توان روابط پایداری را در بین اعضای محله ایجاد کرد. میانگین این شاخص با ۲,۹۲ نسبت به میانگین استاندارد (۳) فاصله چندانی ندارد و سطح معنی‌داری (۰,۶۷۷) هم‌گویای این امر است. در واقع می‌توان گفت که افزایش اعتماد اجتماعی در بین شهروندان زمینه را برای افزایش همکاری، مشارکت و مسئولیت‌پذیری آن‌ها فراهم می‌نماید (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: گویه‌های اعتماد اجتماعی در تحلیل نقش سرای محله

متغیر	تعداد	درجه آزادی	میانگین استاندارد	میانگین واقعی	انحراف معیار	T تک نمونه-ای	سطح معناداری	سطح خطا
-------	-------	------------	-------------------	---------------	--------------	---------------	--------------	---------

۰,۰۵	۰,۲۸۹	-۱,۰۹	۱,۱۳۸	۲,۶۸	۳	۳۸۳	۳۸۴	اعتماد به سرای محله در حل مشکلات
۰,۰۵	۰,۵۹۴	۰,۵۴	۱,۳۷۶	۳,۱۸	۳	۳۸۳	۳۸۴	کارا بودن سرای محله در بهبود شرایط
۰,۰۵	۰,۸۴۹	-۰,۱۹	۱,۲۸۹	۲,۹۳	۳	۳۸۳	۳۸۴	توجه و پاسخگویی مدیران و کارمندان در صورت مراجعه حضوری
۰,۰۵	۰,۳۳۳	-۱,۰۰	۰,۵۰۰	۲,۸۷	۳	۳۸۳	۳۸۴	اعتماد به اهالی و ساکنان محله
۰,۰۵	۰,۶۷۷	-۰,۴۳۹	۰,۷۱۱	۲,۹۲	۳	۳۸۳	۳۸۴	مجموع گویه ها

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

عدالت اجتماعی: ایجاد عدالت در بین افرادی که از اقشار مختلف هستند و اهداف و مقاصد متفاوتی دارند باعث می‌شود تا حس دوستی و همدردی بین آن‌ها شکل بگیرد. مسئولان شهری با ایجاد فرصت‌های برابر برای مردم و توزیع عادلانه منابع و امکانات در بین شهروندان درک برقراری عدالت را برای همه بالا خواهند برد و جامعه از ثبات بیشتری برخوردار خواهد شد. شاخص عدالت اجتماعی با میانگین ۲,۲۸ به نسبت بقیه شاخص‌ها از سطح پایین‌تری برخوردار است. خروجی آزمون T تک‌نمونه‌ای برای این شاخص نشان‌دهنده سطح نامطلوب این شاخص در بین سایر شاخص‌هاست. به گونه‌ای که بر اساس سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ بیانگر اختلاف بین این شاخص با میانگین استاندارد، معنی‌دار است (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: گویه‌های عدالت اجتماعی در تحلیل نقش سرای محله

متغیر	تعداد	درجه آزادی	میانگین استاندارد	میانگین واقعی	انحراف معیار	T تک نمونه‌ای	سطح معناداری	سطح خطا
فرصت‌های برابر برای مردم	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۱۸	۰,۸۳۴	-۳,۸۹	۰,۰۰۱	۰,۰۵
توزیع عادلانه خدمات و منابع	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۱۲	۱,۰۸۷	-۳,۲۱	۰,۰۰۶	۰,۰۵
عضویت زنان در شورای شهر و شورایاران محلی	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۵۶	۰,۸۱۳	-۲,۱۵	۰,۰۴۸	۰,۰۵
عدالت جنسیتی و سنی در واگذاری اختیارات	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۲۵	۰,۴۴۷	-۶,۷۰	۰,۰۰۰	۰,۰۵
مجموع گویه ها	۳۸۴	۳۸۳	۳	۲,۲۸	۰,۵۱۵	-۵,۵۸	۰,۰۰۰	۰,۰۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

نتیجه گیری

نقش اصلی نهادهای اجتماعی در بازتوزیع قدرت سیاسی است، که فرآیند توزیع قدرت را از مدیران شهری به شهروندان فراهم می‌نماید. توجه به نقش فضاها و عمومی یکی از عوامل تاثیرگذار در جهت زمینه‌سازی برای تقویت نهادهای عمومی است. به این دلیل که فضاها و عمومی، بیانگر فضاها و مدنی، شهروندی و سیاسی هستند و زمینه را برای تعامل بیشتر

بین نهادها، سازمان‌ها و تحرکات اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورند. در واقع فضای عمومی موجب تعامل و فعالیت‌های مشترک، ایجاد و تقویت پیوند و سرمایه اجتماعی، توأم با نظم و قوانین اجتماعی است. همکاری و مشارکت شهروندان موجب یادگیری آن‌ها از یکدیگر شده و زمینه را برای حل مشکلات در عرصه مدیریت محلی فراهم می‌آورد. برای مشارکت شهروندان در امور شهری و محله‌ای عواملی تاثیرگذار هستند که مدیران محلی به منظور فراهم‌سازی زمینه‌ها نیاز به انجام اقداماتی همچون شفافیت، پاسخگویی، انتقادپذیری، مسئولیت‌پذیری و... دارند تا بتوانند اعتماد شهروندان را کسب نمایند. بعد از این فرآیند یکی از راهکارها در جهت جلب مشارکت شهروندان تقویت نهادهای محله‌ای است. به همین منظور در این پژوهش سعی شده شاخص‌هایی چون اطلاع و آگاهی، مشارکت و تعامل، اعتماد اجتماعی، کیفیت زندگی و عدالت که نشان‌دهنده زمینه‌سازی مدیران محلی برای مشارکت نهادها در امور شهری و همچنین میزان مشارکت شهروندان در امور محلی است مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان اظهار نمود، در مجموع میانگین کل بدست آمده از ۵ شاخص با ۲,۷۰ میزان مشارکت شهروندان در اغلب نهادهای محلی در محله وصال در وضعیت نسبتاً نامطلوبی قرار دارد، به نحوی که بعضی از شاخص‌ها مانند عدالت که نشان از توزیع همه امکانات در جهت کسب رضایت شهروندان دارد با میانگین ۲,۲۸ در وضعیت نامطلوب قرار گرفته و سایر شاخص‌های بررسی شده، وضعیت نسبتاً نامطلوب دارند. به همین منظور برای افزایش مشارکت نهادهای محلی در مدیریت امور لازم است که مسئولان محلی با توجه به این شاخص‌ها و بکارگیری آن‌ها در عرصه مدیریتی و سیاست‌گذاری‌ها، زمینه را برای افزایش نقش نهادها فراهم نمایند. در نهایت به منظور تقویت نقش نهادهای عمومی در امر مدیریت محلی و شهری راهبردهای زیر پیشنهاد و مورد تاکید است:

- تقویت و توجه به عملکردهای فضاهای عمومی؛
- اطلاع‌رسانی شفاف و دقیق از عملکرد نهادهای اجتماعی شهر برای ایجاد حس تعلق مکانی بیشتر و احساس مسئولیت پذیری بیشتر اهالی محله؛
- استفاده از بانک اطلاعات محله‌ای به منظور بهره‌گیری و توجه به همه ایده‌ها؛
- تنوع‌بخشی به شیوه‌های اطلاع‌رسانی به منظور آگاهی همه شهروندان؛
- توجه به مدیریت محله از طریق شورای محله و گروه‌های مختلف اجتماعی؛
- زمینه‌سازی برای جذب مشارکت محله‌ای؛
- تدوین برنامه‌های تامین بودجه بر اساس اصول مشارکتی؛
- توجه بیشتر به نقش تشکلهای و گروه‌های مختلف اجتماعی در سطح محله؛
- تشکیل شوراهای مختلف محلی بر اساس گروه‌های مختلف سنی (مانند تشکیل صندوق جوانان) و توجه به نظرات آن‌ها در برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت همه گروه‌ها.

منابع و ماخذ

۱. احمدنیا، شیرین. کامل قالیباف، آتنا. (۱۳۹۶). مشارکت اجتماعی در پهنه مرکزی تهران: با تاکید بر نهادهای مردم مدار و شورایاری‌ها. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، صص ۱۴۵-۱۶۸.
۲. برک‌پور، ناصر. اسدی، ایرج. (۱۳۹۰). مدیریت و حکمروایی شهری. نشر دانشگاه هنر.
۳. بزوی، خدارحم. میرکتولی، جعفر. زایدلی، سلطان. (۱۳۹۶). ارزیابی نقش و تاثیر شورایاران محلی بر افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری محله محور، مطالعه موردی: شهر گرگان. جغرافیا و توسعه، دوره ۱۵، صص ۱۴۷-۱۶۸.
۴. پاپلی یزدی، محمدحسین. رجبی سناجردی، حسین. (۱۳۸۷). نظریه‌های شهر و پیرامون. انتشارات سمت. چاپ اول: ۱۳۸۲، صص ۳۸۷.
۵. پیران، پرویز. رفیعیان، مجتبی. رضایی، میثم؛ دهقان. هما؛ (۱۳۹۵). شناسایی عوامل موثر بر ایجاد نهادهای اجتماعی در مدیریت هر چه بهتر محلات؛ نمونه موردیک ۱ محلات واقع در شهر فردوسی-شهرستان شهریار. نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، دوره ۷، صص ۱-۲۲.
۶. تقوایی، مسعود. بابانسیب، رسول. موسوی، چمران؛ (۱۳۸۷). تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز). مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۱، صص ۱۹-۳۶.
۷. توکلی نیا، جمیله. استادی سیسی، منصور. (۱۳۸۸). تحلیل پایداری محله‌های کلان شهر تهران با تاکید بر عملکرد شورایاری‌ها (نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۱، صص ۲۹-۴۳.
۸. توکلی نیا، جمیله. شمس‌پویا، محمدکاظم. (۱۳۹۶). به سوی حکمروایی اجتماع محلی؛ کوششی در معرفی موضوعات و عرصه‌های کلیدی (مورد پژوهی: محله درکه). فصلنامه آمایش محیط، دوره ۱۰، صص ۱۹۵-۲۱۶.
۹. جعفرنژاد مقدم، جابر. (۱۳۹۰). رویکرد محله محوری در نظام مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهر اصلاندوز-استان اردبیل). پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر ورازمرادی مسیحی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده هنر و معماری.
۱۰. حقیقتیان، منصور. اسماعیلی، رضا. کریمی زاده اردکانی، سمیه. (۱۳۹۴). محله محوری و احساس تعلق به محله در بین ساکنان شهر تهران. مطالعات جامعه شناختی شهری، دوره پنجم، صص ۵۳-۷۴.
۱۱. حکمت‌نیا، حسن. ملکی، محمد. موسوی، میرنجف. افشانی، علیرضا. (۱۳۹۶). سنجش میزان تحقق پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران (مطالعه موردی: شهر ایلام). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، صص ۶۰۷-۶۱۹.

۱۲. حکمت‌نیا، حسن. موسوی، میرنجف. افشانی، علیرضا. ملکی، محمد. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل حکمروایی خوب شهری در ایران (مورد مطالعه: شهر ایلام). مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه گلستان، دوره ۷، صص ۱۴۳-۱۵۲.
۱۳. خادم‌الحسینی، احمد. طهماسبی زاده، فرشاد. میرعنایت، ناهید. (۱۳۹۰)، «نقش محله محوری در مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۹ اصفهان). همایش ملی آرمان شهر ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، صص ۱-۱۱.
۱۴. خزایی، مصطفی. رضویان، محمد تقی. (۱۳۹۵). محله محوری، رهیافتی نوین در ایجاد مدیریت شهری پایدار (نمونه موردی: محله قیطریه تهران). فصل نامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، دوره ۸، صص ۱-۱۹.
۱۵. رضویان، محمدتقی. توکلی نیا، جمیله. قورچی، مرتضی. رستمی، قهرمان. (۱۳۹۴). ارزیابی کارکرد مدیریت محله ای در محله آزارات تهران برپایه نمایه های حکمروایی خوب شهری. فصلنامه پژوهش های جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دوره ۳، صص ۵۲۹-۵۰۹.
۱۶. روحانی، مختار. (۱۳۹۳). آسیب شناسی راهبردی سرای محلات منطقه ۶ و راهکارهای توانمندسازی مدیریت محله در سال ۱۳۹۳ بر اساس مدل استراتژی *SWOT* و رویکرد ترکیبی *AHP* و *TOPSIS*. استاد راهنما: حضرتی صومعه، زهرا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۷. سایت شهرداری تهران، ۱۳۹۷.
۱۸. شارع پور، محمود. شعبانی، مریم. (۱۳۹۵). تحلیلی جامعه شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهر. فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۰، صفحات ۲۹-۶۶.
۱۹. شاه حسینی، پروانه. توکلی، هانیه. (۱۳۹۲). تحلیل شاخص های کیفیت زندگی شهری مورد: محله وردآورد شهر تهران. فصلنامه آمایش محیط، دوره ۷، صص ۱۲۷-۱۴۴.
۲۰. شکیب، سحر. مطلبی، قاسم. (۱۳۹۳). بررسی راهکارهای افزایش تعاملات اجتماعی به واسطه معماری سرای محلات (مورد پژوهی: سرای محلات تهران). مدیریت شهری، دوره ۱۲، صص ۳۵۱-۳۶۳.
۲۱. شماعتی، علی. آدینه وند، اصغر. حاجی زاده، مریم. (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد شهرداری ها بر اساس حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج). فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، دوره ۴، شماره ۱۱.
۲۲. صراف، مظفر. توکلی نیا، جمیله. آقایی، عادل. (۱۳۹۰). ناحیه محوری، ضرورت ارتقاء مدیریت محلی در شهرداری تهران (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تهران). آمایش محیط، سال ۴، صص ۱۱۷-۱۳۷.
۲۳. صراف، مظفر. توکلی نیا، جمیله. محمدیان مصمم، حسن. مسجد جامعی، احمد. (۱۳۹۳). اندیشه های نو در برنامه ریزی شهری. نشر: تهران قدیانی.

۲۴. صفری جزء، راضیه. (۱۳۹۱). تحلیل عوامل موثر بر میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با رویکرد محله محوری در شهر تهران (مطالعه موردی: مناطق ۱، ۵ و ۱۵ شهر تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر اسماعیل نصیری هنده خاله، دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی، مرکز تهران غرب.
۲۵. عبدالله پور، جمال. مختارپور، حسن. مختارپور، رجبعلی. (۱۳۹۳). مشارکت در اداره ی امور شهری: تجارب، آسیب‌ها و زمینه‌ها؛ مطالعه‌ای در محله‌های منطقه‌ی ۴ شهرداری تهران. فصلنامه‌ی مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره ۲، صص ۱۷۵-۲۰۲.
۲۶. فنی، زهره. (۱۳۹۳). مطالعات و جغرافیای شهری معاصر (مفاهیم و دیدگاه‌های بنیادی). انتشارات سمت.
۲۷. فنی، زهره. توکلی‌نیا، جمیله. قربانی، حمید. سلطان‌زاده، اکبر. (۱۳۹۳). ارزیابی عملکرد سرای محلات در راستای توسعه مدیریت محلی؛ نمونه موردی: سرای محله‌های اوین، تجریش و نیاوران. مدیریت شهری، دوره ۱۳، صص ۳۵-۴۶.
۲۸. کاظمیان، غلامرضا. حق شناس کاشانی، فریده. شادمان مهر، رضا. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر الگوی شورایی محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، دوره ۲، صص ۲۳-۳۷.
۲۹. نصیری، اسماعیل. (۱۳۹۴). ارزیابی عملکرد ناحیه محوری بر کارآمدی حکمروایی مطلوب شهری، مطالعه موردی منطقه ۴ شهر تهران. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۶، صص ۱۵۶-۱۳۹.
۳۰. نوری کرمانی، علی. رضایی، علی اکبر. پاکدل نژاد، مصطفی. (۱۳۹۴). ارزیابی برنامه ریزی مشارکتی طرح مدیریت محله در شهر تهران. مطالعات جامعه شناختی شهری، دوره ۵، صص ۱۸۳-۲۱۸.
31. Lemanski, C. (2017) *Unequal citizenship in unequal cities: participatory urban governance in contemporary South Africa*, IDPR, 39 (1), pp. 15-35.
32. Marti-Costa, M. Toma's, M. (2017) *Urban governance in Spain: From democratic transition to austerity policies*, Urban Studies, 2017, Vol. 54(9), pp. 2107-2122.
33. Smedby, N. Neij, L. (2013) *Experiences in urban governance for sustainability: the Constructive Dialogue in Swedish municipalities*, Journal of Cleaner Production 50 (2013), PP. 148-158.
34. UN- HABITAT, (2004) *Urban Governance Index, Conceptual Foundation and Field Test Report, August 2004, Global Campaign on Urban Governance Global Urban Observatory*.
35. Wolfram, M. (2017) *Grassroots niches in Urban contexts: exploring Governance Innovations for sustainable development in Seoul*, Urban Transitions Conference, Shanghai, Procedia Engineering 198. pp. 622-641.